

نقش آفرینی بازیگران غیردولتی

جنگ غزه و تحول در معادله بازدارندگی



جنگ غزه منجر به بازتعریف معادله «بازدارندگی» به نفع بازیگران غیردولتی در منطقه غرب آسیا شده است. مفهوم سنتی بازدارندگی در منطقه عمدتاً با تمرکز بر روابط بین دولت‌ها تعریف می‌شد. اما اکنون بازدارندگی در منطقه جنبه ترکیبی یافته و با ورود بازیگران غیردولتی بر پویایی و اهمیت آن افزوده شده است. این تحول، تأثیر مهمی در شیوه هدایت جنگ‌ها و روندهای نظامی-امنیتی منطقه ای داشته است.



کمیاب بزرگ در یادداشتی برای وب سایت خبر آنلاین نوشت: بازیگران غیردولتی کنونی که همان اعضای «محور مقاومت» در منطقه غرب آسیا هستند، در دوران شکل گیری بحران‌های دو دهه اخیر، جهت مبارزه با نیروهای اشغالگر بیگانه و اغلب مبارزه با تروریسم تکفیری و بطر کلی به منظور دفاع از اصول و ارزش‌های ملت‌های خود بوجود آمدند. اما اکنون الگوی ایفای نقش و درجه کارآمدی این بازیگران، در نتیجه خلا ناشی از عملکرد متفعل دولت‌های عربی منطقه در مواجهه با قدرت‌های خارجی کاملاً تغییر کرده است. جبر ژئوپلیتیک منطقه آنها را از جنبه صرف تدافعی در معادله بازدارندگی خارج و به سمت جهت گیری تهاجمی و استراتژیک هدایت کرده است. نقطه عطف این تحول بیروز جنگ غزه و پویایی‌های این بازیگران، در نتیجه خلا ناشی از عملکرد سایر بازیگران منطقه ای به آثار این جنگ است که همچنان با حملات بی‌تناسب ارتش اسرائیل به غزه و کشتار مردم بی‌گناه ادامه دارد. به واقع، برای نخستین بار دولت‌های محافظه کار عربی منطقه یا ناگهانی واقع گرایانه به واقعیت حضور این بازیگران نگرست به سعی در مدیریت نقش

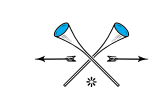


آنها در معادلات توازن قوای منطقه ای دارند. ارزش استراتژیک این بازیگران به درجه کارآمدی آنها در میدان بحران‌های منطقه ای بوده است. سه ویژگی اصلی این بازیگران غیردولتی عبارتند از: نخست، در روند زمان با تجربه تر، پیشرفته تر، منسجم تر، قدرتمندتر، کارآمدتر، و با اعتماد به نفس تر شده اند. دوم، نوعی شبکه اتصالی قوی بین آنها ایجاد شده که بر مبنای درک متقابل از «تهدید مشترک» به موازات خودمختاری محلی در اقدام برای دفع تهدیدات وجودی عمل می‌کنند. سوم، آنها بر مبنای نقش‌های مستقل و متناسب با ظرفیت‌ها و محدودیت‌های استراتژیک خود را جرمی‌کنند. ویژگی‌های تاریخی و جغرافیایی کشور خود، اکنون این بازیگران غیردولتی روندهای اصلی نظامی-امنیتی کشورهای خود را تحت کنترل دارند. چون با انگیزه، هدفمند، و هوشمندانه عمل می‌کنند. به عنوان نمونه، استراتژی حزب الله لبنان در حمایت از حماس در چارچوب ظرفیت‌ها و محدودیت‌های سیاست داخلی و خارجی کشور لبنان در قالب یک جنگ محدود اما موثر اجرایی می‌شود. نقش انصار الله یا ماهیتی متفاوت و با کارآمدی بالا در تضعیف توان بازدارندگی قدرت‌های خارجی در دریای سرخ است تا حمایت همه

جانبه غربی‌ها از اسرائیل را به چالش بکشد. نقش گروه‌های مقاومت عراقی هم با در نظر گرفتن شرایط سیاسی داخلی این کشور و با هدف اخراج نیروهای آمریکایی در یک جبهه دیگر قالب بندی می‌شود. پویایی‌های جنگ غزه و بازتعریف معادله بازدارندگی در منطقه عمدتاً با تضعیف توان بالقوه نظامی-امنیتی و حتی سیاسی اسرائیل و آمریکا صورت می‌گیرد. در مورد رژیم اسرائیل، جنگ غزه نشان داد که: نخست، اسرائیل کاملاً از طریق حملات نامتقارن آسیب پذیر است. دوم، اسرائیل شدیداً به حمایت قدرت سیستم نظامی و اطلاعاتی آمریکا (هم کمی و هم کیفی) وابسته است و سوم، عادی سازی بدون محاسبه روابط رادیکالیزه شدن شدید جوامع عربی به نفع این رژیم تمام می‌شود. همزمان جنگ غزه جایگاه آمریکا را هم به لحاظ معادله بازدارندگی در جنبه‌های زیر به چالش کشیده است: نخست، آمریکا ناگهانی «برخلاف ادعاهایش» - با حملات متعدد هوایی به یمن امکان بالقوه و لازم برای بازگرداندن توازن قوا و بازدارندگی با نیروهای انصار الله در دریای سرخ را ندارند. چون اصول و اهداف دو طرف درگیری در این مواجهه کاملاً نامتقارن هستند. به واقع،

چگونگی مهار حوثی‌ها هم‌عاری جدید آمریکا در معادله قدرت منطقه ای شده است. دوم، جایگاه بازدارندگی آمریکا در نگاه متحدان منطقه ای اش همچون عربستان، امارات و... تضعیف شده است. پیش از این خروج ناگهانی آمریکا از افغانستان و تاگز آمدنی استراتژی آن در مواجهه با روسیه در جنگ اوکراین، این کشورها را به سمت همکاری منطقه ای، به ویژه با ایران، روسیه و چین، یعنی رقبا اصلی آمریکا سوق داده بود به این لحاظ، آمریکا و غرب دیگر همانند گذشته نقش مهمی به لحاظ تضمین کننده امنیتی برای این کشورها ندارند. سوم، قدرت آمریکا در ائتلاف سازی بین دولت‌های متحد برای مقابله با بازیگران غیردولتی تاکنون کارآیی لازم را نداشته و متحدان اصلی منطقه ای آمریکا همچون سعودی و امارات ترجیح داده‌اند خطرات ناشی از درگیری دوباره با یمنی‌ها در نتیجه ورود به چنین ائتلافی را نپذیرند.

بازتعریف معادله بازدارندگی در منطقه با افزایش تمایل دوبار بزرگ قدرتمند دیگر یعنی روسیه و چین برای ورود به مسائل منطقه ای و با تعریف جدیدی از رابطه با این بازیگران غیردولتی همراه بوده است. ورود روسیه به صحنه بنا به جبر و در قالب ایجاد مثلث روابط روسیه-ایران-اعراب و بر مبنای تأمین منافع سیاسی-امنیتی و البته اقتصادی (به ویژه روابط نزدیک با سعودی و امارات) با هدف خروج از انزوا و تحمیلی غرب علیه این کشور در جبهه جنگ اوکراین شکل گرفته است. بی‌تردید روسیه به دلیل حفظ جایگاه قدرت بزرگ خود در شورای امنیت و سازمان‌های بین‌المللی، رابطه خود با بازیگران غیردولتی در منطقه را در یک قالب محدود تکنیکی و بیشتر با هدف هدایت فشار رسانه‌ای غرب از جنگ اوکراین به جنگ غزه در نظر می‌گیرد. برخلاف افراف غربی‌ها، رابطه استراتژیک و معنا داری بین روسیه و حماس یا سایر نیروهای مقاومت وجود ندارد. چون برقراری روابط عمیق در این چارچوب، به ویژه در شرایطی که روس‌ها با دولت‌های عربی حوزه خلیج فارس و روابط نزدیک سیاسی-تجاری برقرار کرده‌اند، اساساً با الگوی رفتاری روسی در تضاد است. همچنین روسیه در پی تقویت جایگاه زنجیره انتقال منطقه ای کالا و گسترش قوه نظامی خود از طریق دریای سیاه به عنوان جایگزین دریای بالتیک است که اکنون به گونه ای به یک دریای



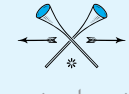
کشورهای ناتو با پیوستن فنلاند و سوئد به این اتحادیه نظامی تبدیل شده است. تجربه هم‌نشان داده که ترکیه کشوری تطبیق پذیر است و خود را با این تحول ژئوپلیتیک جدید در دریای سیاه در هر شرایطی و بنا به جبر و منافع خود سازگار می‌کند. یک نمونه آشکار، تغییر سیاست این کشور در بحران سوریه و همکاری با ایران و روسیه در قالب مذاکرات امنیتی آستانه است. در مورد چین هم گزارش‌های وجود دارد که این کشور با نیروهای انصار الله در مقابل هدف قرار ندادن کشتی‌های تجاری آنها در قبال حمایت چین از یمنی‌ها در شورای امنیت سازمان ملل به توافقاتی رسیده‌اند. این تحول البته با الگوی منفعت محوری سیاست خارجی چین در تضاد نیست. حضور چین در صحنه سیاسی جنگ غزه بیشتر با هدف بهره برداری از فرصت‌های ژئوپلیتیک این درگیری و به تبع مشغول شدن همزمان آمریکا در جبهه‌های جنگ غزه و جنگ اوکراین است، که بطور اجتناب ناپذیر از فشار سیاسی و تجاری آمریکا به چین می‌گاهد و به تبع عمده قوه بازدارندگی این کشور را در منطقه غرب آسیا حس می‌کند.

بی‌تردید جنگ غزه نوعی تعادل مجدد در معادله بازدارندگی در منطقه غرب آسیا را به نفع ایفای نقش بیشتر بازیگران غیردولتی در منطقه ایجاد کرده است. این تحول یک نقطه عطف دیپلماتیک برای کشورمان است تا از ظرفیت‌های «دیپلماسی منطقه ای» استفاده کرده و با ارائه ابتکارات و طرح‌های صلح و امنیت منطقه ای کارآمد به تقویت جایگاه استراتژیک خود در منطقه و جهان بپردازد. به لحاظ تأثیر بر حوزه سیاستگذاری، جنگ غزه سبب افزایش بودجه‌های نظامی کشورهای آسیب پذیر از بازیگران غیردولتی در منطقه در قالبی متفاوت می‌شود. همچنین این جنگ، روش‌های جدید بازدارندگی همچون استفاده موثر از پهبادها، هوش مصنوعی، تکنولوژی ماهواره‌ای، عملیات فریب، و... را وارد عرصه میدان جنگ‌های منطقه ای می‌کند. همزمان، جنگ غزه گزارش به نوسازی سیستم‌های تسلیحاتی نامتقارن و همزمان انکای بیشتر به سیستم‌های بازدارندگی ملی و مستقر را در کشورهای عربی منطقه تقویت می‌کند.

جنايتی بیمارستان الشفا

طرح تل آویو برای کوچاندن مردم غزه

ارتش رژیم صهیونیستی اخیراً در حالی از بیمارستان الشفا در غزه عقب‌نشینی کرد که ویرانی گسترده‌ای را در این مجتمع پزشکی و اطراف آن بر جا گذاشت و صداهاتن را به شهادت رساند. تحلیلگران معتقدند این جنايت رژیم صهیونیستی بخشی از طرح هدفمند آن برای کوچاندن مردم غزه است.



به گزارش ایسنا، ارتش رژیم صهیونیستی بعد از ۲ هفته محاصره بیمارستان الشفا چند روز پیش به طور کامل از این بیمارستان عقب‌نشینی کرد. به گفته شاهدان عینی بیکر صدها شهید در مجتمع پزشکی الشفا و اطراف آن پیدا شد. همچنین منابع پزشکی اعلام کردند ساختمان‌های بیمارستان الشفا توسط رژیم صهیونیستی به آتش کشیده شده و فعالیت آن به طور کامل متوقف شده است. نیروهای رژیم صهیونیستی طی عملیات خود در بیمارستان الشفا صداهاتن از غیرنظامیان و کادر پزشکی را به شهادت رساندند. این ویرانی هولناک در بیمارستان الشفا و اطراف آن بخشی از تلاش رژیم صهیونیستی است تا منطقه غزه را به یک منطقه غیرقابل سکونت تبدیل کند.

دیدبان حقوق بشر اروپا-مدیرانه اعلام کرد: حدود ۱۵۰ فلسطینی در کشتارهای صورت گرفته در مجتمع پزشکی الشفا و اطراف آن کشته، مجروح و مفقود شدند که نیمی از آنها زن و کودک هستند. آثار اولیه نشان می‌دهد که ارتش همچنین ۱۲ بیمار را بعد از محروم کردن آنها از خدمات پزشکی لازم به قتل رساند. به نقل از روسیا اليوم، تصاویر ماهواره‌ای که از بیمارستان الشفا و اطراف آن گرفته شده، ویرانی گسترده در این بیمارستان و اطراف آن‌ها را نشان می‌دهد. سازمان پزشکان بدون مرز اعلام کرد: از صحنه‌های ویرانی گسترده بیمارستان الشفا شوکه شده‌ام. بزرگترین بیمارستان در غزه دیگر نمی‌تواند فعالیت کند و با توجه به این ویرانی مردم غزه گزینه‌های بسیار اندکی برای معالجه و خدمات پزشکی در شمال غزه دارند. تدریس ادهانوم گریسوس، مدیرکل سازمان جهانی بهداشت نیز گفت: تبدیل بیمارستان‌ها به میدان جنگ توسط اسرائیل جایز نیست. اسرائیل باید به بیمارستان‌ها احترام گذاشته و از آن حمایت کند. سازمان ملل نیز اعلام کرد قصد دارد تیمی را برای بررسی وضعیت بیمارستان الشفا بعد از انتشار تصاویر از ویرانی گسترده این بیمارستان اعزام کند. کارشناسان و تحلیلگران معتقدند جنايت بیمارستان الشفا بخشی از طرح هدفمند رژیم صهیونیستی برای کوچاندن ساکنان نوار غزه است. آنها معتقدند که آمریکا و ناتو شریک این جنايت هستند.

مصطفی البرغوثی، دبیرکل جنبش ابتکار ملی فلسطین گفت: حمله رژیم صهیونیستی به بیمارستان الشفا و اطراف آن انتقام از غیرنظامیان و کتل کشتارهای صبرا و شتیلا (بین ۱۶ و ۱۸ سپتامبر ۱۹۸۲) است. گلیاس حنا، کارشناس نظامی نیز گفت: این عملیات از نظر اسرائیل موفقیت آمیز بوده است چرا که بخشی از طرح هدفمند اسرائیل برای نابودی زندگی در نوار غزه را محقق کرده است.

اعلاماتر رئیس ستاد ارتش اسرائیل درباره موفقیت این عملیات ثابت می‌کند که بیمارستان الشفا بخشی از طرح بزرگتری برای جدا کردن نوار غزه و نابودی آن و مسطره بر مناطق مشخص و کوچاندن ساکنان آن است. نابودی بیمارستان‌ها نشان می‌دهد رژیم صهیونیستی عملاً روند کوچاندن فلسطینی‌ها را اجرایی کند.

مجامع عمومی عادی سالانه و فوق العاده بیمه اتکایی آوای پارس

صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۲۱ با حضور نزدیک به ۷۵،۸۵ درصد سهامداران این شرکت بر گزار شد.



شرکت بیمه اتکایی آوای پارس (سهامی عام)	
صورت سود و زیان	
سال مالی منتهی به ۱۴۰۲/۰۹/۳۰	
دوره مالی سه ماهه و ۹ روزه منتهی به ۱۴۰۲/۰۹/۳۰	یادداشت
۵	درآمد حق بیمه (ناخالص)
۶	حق بیمه اتکایی واکداری
۷	حق بیمه خالص (سهم نگهداری)
۸	درآمدهای سرمایه گذاری از محل منابع بیمه ای
۹	سایر درآمدهای بیمه ای
۱۰	درآمدهای بیمه ای
۱۱	خسارت و مزایای پرداختی (ناخالص)
۱۲	خسارت سهم بیمه گران اتکایی
۱۳	خسارت و مزایای پرداختی خالص
۱۴	تغییرات سایر ذخایر فنی
۱۵	سایر هزینه های بیمه ای
۱۶	هزینه های بیمه ای
۱۷	سود ناخالص فعالیت های بیمه ای
۱۸	هزینه های اداری و عمومی
۱۹	سایر درآمدها و هزینه های عملیاتی
۲۰	سود عملیاتی
۲۱	هزینه های مالی
۲۲	سایر درآمدها و هزینه های غیر عملیاتی
۲۳	سود قبل از مالیات
۲۴	مالیات بر درآمد
۲۵	سود خالص
۲۶	سود پایه هر سهم:
۲۷	عملیاتی (ریال)
۲۸	غیر عملیاتی (ریال)
۲۹	سود پایه هر سهم (ریال)

شرکت بیمه اتکایی آوای پارس (سهامی عام)	
صورت وضعیت مالی	
به تاریخ ۱۴۰۲/۰۹/۳۰	
دارایی ها	یادداشت
۱۶	موجودی نقد
۱۷	مطالبات از بیمه گران و بیمه گران اتکایی
۲۶	سهم بیمه گران اتکایی از ذخایر فنی
۱۸	سایر دریافتی ها و پیش پرداخت ها
۱۹	سرمایه گذاری در اوراق بهادار و سپرده های بانکی
۲۰	دارایی ثابت مشهود
۲۱	دارایی نامشهود
۲۲	جمع دارایی ها
۲۳	بدهی ها و حقوق مالکانه
۲۴	بدهی ها
۲۵	بدهی به بیمه گران و بیمه گران اتکایی
۲۶	مالیات پرداختی
۲۷	سود سهام پرداختی
۲۸	سایر پرداختی ها
۲۹	ذخیره خسارت معوق
۳۰	ذخیره ریسک منقضي نشده
۳۱	سایر ذخایر فنی
۳۲	ذخیره مزایای پایان خدمت کارکنان
۳۳	جمع بدهی ها
۳۴	سرمایه
۳۵	سرمایه تعهد شده
۳۶	اندوخته قانونی
۳۷	اندوخته سرمایه ای
۳۸	سود انباشته
۳۹	سهم خزانة
۴۰	جمع حقوق مالکانه
۴۱	جمع بدهی ها و حقوق مالکانه